

خبرنامه بهار و تابستان ۱۳۹۶

موسسه توانمندسازی مهروماه



به امید فردایی بهتر برای همه کودکان دنیا

همکاران موسسه مهروماه

عطیه اصغری - ندا اکبری- عاطفه امیری - اکرم امینی - فاطمه ایرانپور - هانیه ایمانی-
مرتا آزاد - آقای ساجدی- خدیجه پورکاظمی- لیلا پورکریمی - حمیرا پورکاظمی - عسل
پیکانفر-نادیا تاجیک - سارا تبریزی- سرور تفخیمی - رباب تکبیری- شیمای ثابت- معصومه
جمالیزاده - حسن جندقی - مجتبی جوادى - آروین چگینی - منیژه چهره‌نگار - آیدین
حیدری - بیتا برآهویی- لعیا حسنعلی- اشرف خدادوست - محبوبه خدادادی - مهدی
خدادادی - دلوری- ساناز رحیمی - مهرانگیز رزاقی - مرجان رستگار - نهضت رضوی-
خدیجه رفیعی - مهری روزبهانی - شهلا ریاضتی- محمد سبحانیان - سارا سپهری - هانیه
سداد - حمیده سرشار - مریم سعیدی- محمد سید بازل- مهدیه شریفی - بهناز شعبان‌زاده
- نجمه شهبازی - فرخنده صادق پور- زهرا صادقی - آرش صباغ نوین -آلوارت طروسیان
- عاطفه طلوعی - فاطمه علمدار - نازیلا علوی- زینب غزنوی - ناهید غزنوی - کریمه
غفوری - ویکتوریا فاتحی - سحر فرح‌آبادی - پروین فرزنانگان - مینا فرنودی - لاله فیاضی
- مریم قالیچی‌ها- مریم قلشخانی - سمانه قنبرنژاد - آتنا کامل- سمانه
گلاب - آرزو مدنی- سوسن مدنی - طاهره مدی - مریم مرندیان-
مریم ملا اکبری - لیلا مومیوند - گوهر میرزایی- زهرا میرزایی
- سارا ناطقی - طاهره نیشابوری - مریم هاشمی - مهرنوش
همت‌یار - منصوره هوشیاری - ماهرخ وجدانی فر -
فاطمه وکیلی - شقایق یزدانی - رزیتا یقینی.



فهرست مطالب

مقدمه..... ۴

مهر و ماه..... ۶

کودکان..... ۱۶

زنان..... ۲۵

مهر..... ۳۴

گزارش تصویری..... ۳۶

هیئت تحریریه:

سمانه گلاب
عاطفه طلوعی

مسئول اجرایی:

هانیه ایمانی

صفحه آرایی:

بهناز شعبانزاده

عکاسان:

عاطفه طلوعی
هانیه ایمانی
خدیدجه پورکاظمی
نجمه شهبازی

نشانی: تهران- اتوبان یادگار امام شمال- خیابان ایثارگران شمالی- خیابان امامزاده داوود-

کوچه عمویی- پلاک ۴.

تلفن: ۰۲۱-۲۲۳۸۲۶۶۵

ایمیل: mehromah.far@gmail.com

کانال تلگرام: <https://telegram.me/mehromahngo>

اینستاگرام: mehromah.ngo

سایت: www.mehr-o-mah.com

زنگ‌های مدرسه برای همه کودکان به صدا در می‌آید

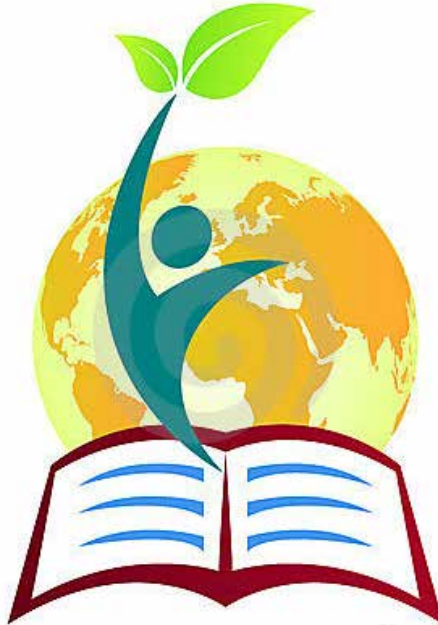
افخم صباغ‌نوین

کم‌کم پاییز زیبا از راه می‌رسد. شروع پاییز بوی مهر با خود دارد. بوی مدرسه. خوشحالیم که امسال کودکان بیشتری توانستند به مدارس راه پیدا کنند و آمار کودکان بازمانده از تحصیل کاهش پیدا کرده است، اما هنوز کودکان بسیاری هستند که آرزوی نشستن بر پشت نیمکت‌های مدرسه را دارند. امسال هم بسان سال‌های گذشته کودکانی از مهر جاماندند و مهر و ماه خانه آموزش این کودکان شد. همانطور که در خ برنامه‌های قبلی مشخص بود گستردگی فعالیت‌های موسسه در سال گذشته ما را برآن داشت تا در پی تأمین فضای بزرگتر باشیم، اما اگر گذرتان به فرزند افتاده باشد می‌دانید که خانه‌های این محله همه کوچک و فاقد حیاط هستند. در نهایت تصمیم به اجاره خانه‌ای دیگر در نزدیکی فضای قبلی گرفتیم که با همیاری حامی بزرگواری که دغدغه کودکان برایشان جدی و اساسی بود توانستیم فضای کار را به منظور خدمات‌رسانی مناسب تر به زنان و کودکان آسیب دیده و در معرض آسیب محله فرحزاد، گسترش دهیم. اساس تلاش مهر و ماه در تابستان برای کمک به ثبت نام کودکانی بود که بیم آن می‌رفت از مهر جا بمانند. اما هنوز کودکانی هستند که به دلیل کبر سن نسبت به پایه تحصیلی‌شان و یا نگرافتن کارت تحصیلی از تحصیل جا مانده‌اند.

بر این باوریم که همه کودکان حق تحصیل دارند، با این همه، تنها آموزش نیاز کودکان نیست و حق همه کودکان است که از بهداشت، تغذیه و رفاه اجتماعی و روانی مناسب برخوردار باشند. بعد از چندین سال کار در این محله به جرئت می‌توان گفت که در بسیاری موارد تأمین نیازهای اولیه کودکان آنقدر جدی است که مسئله آموزش در سایه قرار می‌گیرد. تأمین نیازهای عاطفی و روحی کودکان کار یا کودکان در معرض آسیب از اولویت‌های مهر و ماه در تابستان بود. افزودن کلاس‌های ورزشی

و برنامه‌های تفریحی و اردوها همگی در راستای این رویکرد بوده است. گسترش بخش کارآفرینی و مشاغل خانگی زنان همه در جهت توان‌افزایی زنانی است که می‌خواهند اقتصاد خانواده را اعتلا بخشند. بخش عمده آسیب‌های اجتماعی و معضل کار کودک، فقر مادی خانواده هاست. امید است که با رونق این بخش از فعالیت موسسه، زنان بیشتری در توانمندی خودشان، به باور برسند. مهر و ماه سعی کرده است تمامی گزارش‌های عملکرد خود را در سایت موسسه بازتاب دهد تا همه دوستان بتوانند به آنچه در مهر و ماه می‌گذرد دسترسی داشته باشند. اعتمادتان را ارج می‌نهم و بر خود می‌بالیم که شما همراه ما هستید.

مهر و ماه مأمّن کودکان و زنانی است که به هر دلیلی نتوانسته‌اند توانایی‌های خودشان را دریابند و ما تسهیلهایی بیش نیستیم.



بیاموزیم و آموزش دهیم

شعار مهروماه توانمندسازی زنان و کودکان با رویکردی خانواده محور است. این هدف ممکن نمی‌شود مگر زمانی که بتوانیم در کنار حرفه‌آموزی و سوادآموزی آموزش مهارت‌های زندگی را نیز در پیش بگیریم. این موضوع یکی از دغدغه‌های همیشگی مهروماه بوده است. مهروماه می‌کوشد با توجه به نیازهای گروه هدف خود به‌ویژه زنان و دختران نوجوان آنها را برای یک زندگی بهتر آماده کند. دختران باید بیاموزند چگونه در اجتماع حضور یابند و بتوانند خود را بیرون از چارچوب خانه بیابند و با جامعه تعامل داشته باشند. زنان باید بیاموزند چگونه در کنار وظایف سنگینی که در خانه دارند، در اجتماع حاضر باشند. آنها باید بتوانند نیازهای کودکان امروز را بشناسند و متناسب با آن رفتار تربیتی خود را شکل دهند. امید ما این است که بتوانیم با این آموزش‌ها و ایجاد شرایط رشد و ارتقای زنان و کودکان زمینه را برای بهتر زیستن در خانواده و جامعه ایجاد کنیم. در همین راستا کلاس‌های مهارت زندگی، فرزند پروری، بهداشت فردی، خودمراقبتی جنسی و بهداشت قاندهی برای دختران و زنان برگزار شد.

علاوه بر این مهروماه کارگاه‌های آموزشی را برای همکاران و همراهان خود نیز در دستور کار قرار داده است. ما معتقدیم یک سازمان نمی‌تواند به جلو گام بردارد مگر اینکه هرروز بر توانایی‌ها، تجربه‌ها و آموزه‌های خود اضافه کند. در چنین حالتی هم مجموعه رشد خواهد کرد و هم تک‌تک اعضای مجموعه در جایگاه خود ارتقای خواهند یافت. در همین راستا کارگاه آموزش مقدماتی Excel برای ۲۵ نفر از همکاران در دو جلسه و کارگاه روش‌های فعال یادگیری با تکیه بر رفع اختلالات در چهار جلسه و برای ۱۶ نفر از همکاران برگزار شد. هدف از برگزاری این کارگاه آموزش فنون و روش‌های تدریس، روش‌های فعال یادگیری و اصول اولیه تنبیه و تشویق به همکاران و مربیان بود. ما در مهروماه تلاش می‌کنیم بیاموزیم و بر مبنای آموزه‌های خود آموزش دهیم. در چنین چارچوبی همه در کنار هم ارتقا پیدا خواهیم کرد.



همیاران موسسه مهر و ماه

رضا احمدی- ندا اکبری- چگینی- حبی- خطیبی- دهقان پور- شیوا صارمی-
متین- نوربخش- ماهرخ وجدانی فر- زهرا یزدانی- یوسف زادگان- گروه همای
سعادت - کافه کوژین- کافه الگا- آموزشگاه عمران و هنرهای تجسمی برگ.

با من بخوان

اگر هدف از آموزش ارتقای خلاقیت کودکان، کشف استعدادها و گسترش آگاهی‌ها و دانش کودکان بدانیم، آنگاه هر ابزاری که بتواند به ما در این هدف کمک کند، یک ابزار کمک‌آموزشی خواهد بود. طرح «با من بخوان» در موسسه مهر و ماه با همین هدف آغاز شد. در این طرح مربیان کودکان داستان‌هایی را متناسب با سن آنها انتخاب می‌کنند، درباره آن با کودکان صحبت می‌کنند و داستان را برای کودکان بلندخوانی می‌کنند. سپس از کودکان خواسته می‌شود برداشت خود را از داستان در قالب نقاشی به تصویر بکشند. گاهی نیز با درست کردن کلاژ از شخصیت‌های داستان، کودکان با هماهنگی مربی خود داستان را بازی می‌کنند. این روش



آموزشی درعین حال که نوعی تفریح و سرگرمی برای کودکان است، دایره لغات آنها را افزایش می‌دهد، قدرت تصویرسازی آنها را بالا می‌برد و به تخیل آنها بال و پر می‌دهد. برنامه‌ی «با من بخوان» از زمستان سال ۱۳۹۵ در موسسه‌ی توانمندسازی زنان و کودکان مهر و ماه آغاز به کار کرد. در اولین مرحله از اجرای این برنامه ۸۸ کودک از کودکان پیش‌دبستان و بازمانده از تحصیل در پایه‌های اول تا چهارم تحت پوشش این برنامه قرار گرفته‌اند و هفته‌ای یک روز در این برنامه شرکت می‌کنند. هشت مربی پیش‌دبستان تا چهارم دبستان نیز پس از آموزش‌های لازم درباره این طرح نشست‌های بلندخوانی و آموزش خلاق را برگزار می‌کنند. بازخوردهایی که از این طرح گرفته شده نشان می‌دهد استفاده از روش‌های نوین آموزشی گام بزرگی در دستیابی به هدف آموزش کودکان و کشف و پرورش استعدادهای آنهاست؛ استعدادهایی که گاه در فرآیند قدیمی آموزش نادیده گرفته شده و برای همیشه خاموش می‌شوند.



مهروماه در سال ۹۵ یکی از مؤسسات منتخب برای اجرای طرح ادغام شناخته شد. در طرح ادغام که به منظور پیشگیری از ایدز و شیوع این بیماری در بین کودکان اجرا می‌شود تلاش بر این است کودکان در معرض آسیب شناسایی شوند و با اجرای برنامه‌های آموزشی و تست‌های پزشکی آگاهی‌های لازم جهت پیشگیری و در صورت نیاز، درمان کودکان به آنها داده شود. واقعیت این است که نمی‌توان هیچ مشکلی را با پاک کردن صورت مسئله حل کرد. کودکان کار و به‌ویژه کودکان خیابان در ایران به‌طور جدی با خطر ابتلا به ویروس HIV مواجه هستند. مطالعه‌ای که چند سال قبل روی کودکان خیابان انجام شد نشان می‌داد درصد شیوع ایدز بین این کودکان ۴/۵ درصد است در حالی که متوسط شیوع این بیماری در کشور ۰/۱ درصد بود. در پژوهش‌هایی که روی کودکان خیابان ۱۱ تا ۱۹ ساله انجام شد، ۷۳ درصد عنوان کردند که دوستان پرخطر یا دوستانی که سوءمصرف مواد دارند، داشته‌اند. همچنین ۱۵/۶ درصد اعلام کردند که خودشان از مواد محرک استفاده می‌کنند و ۴/۶ درصد گفتند که تزریق می‌کنند. همچنین این مطالعه نشان داده در کودکان خیابانی ۱۵ تا ۱۸ سال درصد قابل‌توجهی رابطه جنسی داشته‌اند و حتی تعدادی از این افراد گفته‌اند که چند شریک جنسی دارند. با این حال از بین ۴۹۳ نفر از این کودکان حدود ۵۰ درصدشان گفته‌اند، چیزی در مورد ایدز شنیده‌اند. تمام این موارد نشان می‌دهد آگاهی دادن به کودکان درباره این بیماری مسئله‌ای است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. همچنین در صورت لزوم باید کودکان مبتلا به



این ویروس را با مسائل خاص این بیماری آشنا کرد و آنها را تحت حمایت قرار داد. این کاری است که مهروماه در طرح ادغام انجام می‌دهد. در این طرح آموزش‌هایی درباره این ویروس و راه‌های انتقال آن به کودکان متناسب با سن آنها داده می‌شود.

مهروماه با مشورت‌هایی که در این زمینه داشت مادران را نیز در این آموزش‌ها شریک کرد و آنها را نیز نسبت به این بیماری و راه‌های انتقال ویروس آشنا ساخت. هدف از این آموزش‌ها از یک طرف آگاهی دادن به کودکان به منظور جلوگیری از رفتارهای پرخطر و از طرف دیگر کاهش استرس آنها در صورت ابتلا به این ویروس است. علاوه بر این در این طرح تست HIV نیز از کودکان گرفته شد که خوشبختانه هیچ مورد ابتلایی در بین کودکان مهروماه شناسایی نشد. مهروماه امیدوار است با آموزش‌هایی که در این زمینه به کودکان کار و خیابان داده می‌شود از بروز یک فاجعه بزرگ در آینده جلوگیری شود؛ فاجعه‌ای که قربانیان آن کودکان هستند اما سهم آنها در این اتفاق کمترین است.





دست پسر کوچک خود را در دست گرفته، آرام آرام کوچه تنگ موسسه را بالا می‌آیند. به مهروماه که می‌رسند پسر را راهی کلاس پیش‌دبستانی می‌کند، برایش آرزوی موفقیت می‌کند و خود برای یک روز کاری دیگر آماده می‌شود. می‌داند که می‌خواهد پسرش آینده‌ای متفاوت از او داشته باشد، می‌خواهد فرزندش بیاموزد، تلاش کند و شاید با یادگیری حرفه‌ای برای خود کسب‌وکاری دست‌وپا کند.

این‌ها آرزوی پدر یکی از کودکان پیش‌دبستانی مهروماه است. پدری که با اشتیاق پیشرفت فرزندش را دنبال می‌کند و تمام توان خود را برای رشد بیشتر فرزندش به کار گرفته است. مهروماه سال‌هاست در حوزه زنان و کودکان فعالیت می‌کند اما از همان ابتدا و به دلیل رویکرد خانواده محور خود که رشد و ارتقای کودکان را در درون خانواده هدف قرار داده است، به دنبال این بود تا برای پدران نیز برنامه‌های آموزشی داشته باشد. می‌دانستیم تنها از این طریق است که می‌توان سطح آگاهی را در خانواده متناسب افزایش داد و به‌صورت ریشه‌ای‌تر هدف آموزش و توانمندسازی را پیش گرفت. تجربه مدت فعالیت مهروماه نیز بر این نگرش صحنه می‌گذاشت. در موارد بسیاری مانند مشکل کار اجباری کودکان، فضای متشنج درون خانواده‌ها، موانع حضور دختران در کلاس‌های درس یا حرفه‌آموزی، گفت‌وگو با پدران یا آموزش راهکارهایی به مادران برای گفت‌وگو با همسرانشان کمک بزرگی برای حل مشکل بود. بر مبنای همین تجارب بود که حضور پدران در پروسه آموزش و توانمندسازی برنامه‌ریزی شد. گام‌های ابتدایی برای این هدف

در سال ۹۶ برداشته شد. با همت کمیته مددکاری اجتماعی مهرومه پدران کودکان مهرومه برای دو نشست آشنایی به موسسه دعوت شدند. استقبال بسیار بیشتر از آن چیزی بود که تصور می‌کردیم. نتیجه تغییر رفتار کودکان و زنان در خانواده، مردان را هم به تغییر علاقه‌مند کرده بود. در این گفت‌وگوها از پدران برای آموزش نیازسنجی شد و در نتیجه آنها سوادآموزی و شرکت در برنامه‌های ورزشی را به‌عنوان نیاز اصلی خود مطرح کردند. در حال حاضر کلاس‌های سوادآموزی مردان برگزار می‌شود و برای سایر برنامه‌های آموزشی نیز اقداماتی در دست اجراست. امید ما این است با همت هم و بر مبنای آموزش اصولی بتوانیم شرایط بهتر و سالم‌تری برای رشد کودکان در درون خانواده‌ها ایجاد کنیم.

حامیان نقدی مؤسسه مهرومه

مهین آوان- علیرضا ابوترابی-روشن ارغوانی- عرقان اصلان‌پور- فریبا امیری-
 تهمینه ایراندوست- زهرا باقری- فرانک بحرالعلومی- دوستان دانشگاه
 صنعتی- رباب تکبیری اسکویی- حشمت جوانبخت- لادن جوانبخت- بهرام
 چرختاب تبریزی- احمد حاجی غلامی- اشرف خدادوست- عذرا خدادوست-
 مهرناز خوبی- مهدی خیری- زینب السادات رفیعی طباطبایی- رضوی-
 مهری روزبهانی- نسرین ریاض رفعت- سارا سپهری- کیمیا سجادی- هانیه
 سداد- مهدی سلطان محمدی- سنجر- ایرج صالحی- فاطمه آزاده صبرنگر-
 صنعتی- ضیاءالملوک صفاری- پرستو صیدی- نرجس خاتون عباسی تفرشی-
 ژیلا عسگرپور- محمدصالح عیوضی- حسین قاسمی تفرشی- مریم قلشخانی-
 انسیه کاویان- گروه مهرآوران (بهین‌پور میرزا)- گروه همای سعادت(به)
 نمایندگی ایرج معتمدی)- مرجان مأنوسی فر- فاطمه ماهوتی- - زهرا مدی-
 مریم مرندیان- مدحت مصباح- - امید مدنی - ناصر مدنی- رویا معین-
 فرحناز منصوری- لادن منوچهری-کیانوش مهاجر شجاعی- بهی مینایی- فرشته
 ناجیان- مریم السادات نوروزی- مریم نیشابوری- حمیدهادی‌زاده مقدم.

هر پزشک، هر هفته، یک بیمار

«هزینه‌های سلامت، سالانه کمر یک میلیون و سیصد هزار خانوار کشور را می‌شکند و هزینه‌های مستقیم پزشکی، ۳۲۰ هزار خانوار را هرسال به زیرخط فقر غذایی می‌کشاند.» این خبر حاصل پژوهشی است که در دانشگاه تربیت مدرس انجام شده است. نگاهی به آمارهای اقتصادی در کشور نیز نشان می‌دهد حتی در یک سال گذشته که تورم در کشور کاهش یافته، شدت افزایش قیمت‌ها در حوزه بهداشت و درمان هنوز هم بسیار بالاست. در این میان البته طرح تحول نظام سلامت، بیمه‌های همگانی، تحت پوشش قرار گرفتن داروهای بیماری‌های خاص و مواردی از این دست تلاشی بوده برای اینکه تا اندازه‌ای این بار هزینه‌های تحمیل شده به خانواده‌ها کاهش یابد. با این وجود هنوز هستند خانواده‌های بسیاری که به دلیل هزینه‌های بالا، مراجعه به پزشک را در زمره کالاهای لوکس دانسته‌اند و تا حد ممکن به خوددرمانی، یا تعویق انداختن درمان روی می‌آوردند.

با توجه به این موضوع یکی از فعالیت‌هایی که مهروماه پیگیری می‌کند، شناسایی نیازهای درمانی مددجویان خود و تلاش برای پیگیری پروسه درمان آنهاست. در این راستا طرح «هر پزشک، هر هفته، یک بیمار» از طرف موسسه توانمندسازی مهروماه پیشنهاد شده است. از آنجاکه سازمان‌های مردم‌نهاد با خانوارهای آسیب‌پذیر در ارتباط هستند، می‌توانند یک نهاد

مورد اعتماد جهت شناسایی خانوارهای تحت آسیب باشند. علاوه بر این داوطلبانی که تمایل دارند بخشی از زمان خود را صرف امور و فعالیت‌های اجتماعی کنند، می‌توانند از طریق این نهادها به صورت مؤثرتر اقدام کنند. موسسه در همین زمینه تلاش کرده با شناسایی بیماران نیازمند و معرفی آنها به پزشکان و کلینیک‌هایی که حاضر به مشارکت در این طرح بوده‌اند گام کوچکی در این زمینه بردارد. از همین جا از پزشکان عزیزی که ما را در این مسیر کمک کرده‌اند تشکر می‌کنیم و حضور دیگر یاران و عزیزانی که حاضر به شرکت در این طرح هستند قدر می‌نهیم.



لبخندهای مهروماهی

هر انسانی حق دارد از زندگی لذت ببرد، تفریح کند و خاطرات خوش برای خود رقم بزند. این کاری است که مهروماه در کنار فعالیتهای آموزشی و توانمندسازی خود در پیش گرفته است. مهروماه می‌کوشد تا کودکان را به فعالیتهای ورزشی وادارد تا از این طریق جسم و روح آنها را سالم‌تر نگاه دارد. ثبت‌نام ۱۴ نفر از زنان و دختران در کلاس‌های یوگا و ۲۳ نفر در کلاس‌های کنگ‌فو در همین راستا پیگیری شد.

بهار و تابستان فصل گردش‌ها و دوره‌می‌های دوستانه نیز است. مهروماه سعی داشت در نیمه اول سال به‌ویژه در تابستان با توجه به فراغت بیشتر کودکان اردوهای یک‌روزه را برنامه‌ریزی کند. بودن در کنار زنان و دختران مهروماهی برای چند ساعت بدون دغدغه‌های روزمره فرصتی است برای لذت بردن واقعی از زندگی.



تماشای فیلم نهنگ عنبر با حضور عوامل فیلم، اردوی تفریحی در استخرهای بادی برای دختران ۸ تا ۱۲ سال به مناسبت روز دختر، اردوی پارک بانوان برای دختران ۱۲ تا ۱۷ سال به مناسبت روز دختر، استخر برای ۴ نفر از پسران که پیشرفت خوبی در تحصیل داشتند، اردوی علمی بازدید از مرکز نجوم و ستاره‌شناسی برای کودکان کلاس سوم و پنجم مدرسه مهروماه و کودک تحت حمایت تحصیلی، بازدید از پارک ژوراسیک برای کودکان کلاس اول و بازدید از نمایشگاه کتاب برای دختران نوجوانی که در برنامه‌های

نقد کتاب شرکت فعال داشتند از مهم‌ترین فعالیت‌های مهروماه در زمینه تفریح و اوقات فراغت جامعه هدف بود.

جشن‌های مهروماهی نیز معروف‌اند؛ جشن‌هایی که در مناسبت‌های مختلف برای زنان و کودکان برگزار می‌شود. برنامه افطاری برای کودکان ۶ تا ۱۲ سال که به همت و دعوت تعدادی از همراهان مهروماه برگزار شد، جشن پرشور پایان سال برای کودکان بالای ۶ سال، میهمانی ناهار با حضور زنان مهروماه که هریک با غذاهای محلی خود درواقع میزبان یک دورهمی گرم بودند و دورهمی صبحانه در پارک آب‌وآتش با حضور همکاران و همراهان مهروماه نمونه‌ای از باهم بودن‌های شاد و لذت بخشی است که در شش ماه نخست سال رنگ و رویی دیگر به مهروماه داده بود. می‌دانیم می‌توانیم در کنار هم این لحظات خوش را ادامه دهیم و خاطرات شیرین بزرگ‌تری نیز رقم بزنیم.



قدم‌های کوچک برای فردایی سبز

مادر می‌گوید: «فرزندم تشنج می‌کرد، حرف نمی‌زد، تا اینکه با موسسه آشنا شدم. با کمک آنها به پزشک مراجعه کردم، و شروع به درمان فرزندم کردم، و چون در سن پیش‌دستانی بود. او را ثبت‌نام کردم. خیلی بهتر شده، اعتمادبه‌نفس پیدا کرده، می‌تواند بنویسد، نقاشی کند، حیوانات اهلی را از وحشی تشخیص دهد، با دیگران بازی کند. به کثیفی و تمیزی حساس شده، حروف را شناخته، با قیچی کار می‌کند. سعی می‌کند حرف بد نزند.»

درد ناشی از سال‌ها سختی در چهره‌اش پیداست باین‌حال صحبت‌هایش نشان می‌دهد امروز را بهتر از دیروز ساخته است: «همسرم معتاد بود، متأسفانه من هم در این منجلاب افتادم، سه فرزند دارم، که با شرایط ما همیشه آواره بودند، تا اینکه گروهی مرا از منجلاب بیرون کشیدند و برایم کاری دست‌وپا کردند. فرزند بزرگم به مدرسه می‌رفت.

فرزند کوچکم را به سرکار می‌برم. فرزند شش‌ساله‌ام را نمی‌دانستم کجا بگذارم. تا اینکه موسسه مهروماه باینکه وسط سال بود، فرزندم را در کلاس‌های پیش‌دستانی پذیرفت، اول که با مصیبت می‌رفت و من باید مدت‌ها آنجا می‌ماندم. بالاخره به آنها عادت کرد. و خیلی چیزها یاد گرفت. الان نقاشی می‌کشد، با خمیر بازی می‌کند. رنگ‌ها را می‌شناسد، اشکال هندسی را یاد گرفته، اجتماعی شده، با بچه‌ها بازی می‌کند. پرخاشگری‌هایش کمتر شده، کفش‌هایش را خودش می‌پوشد. کمتر لج می‌کند.»

با شوقی خاص در چشمانش حرف می‌زند: «دخترم به سنی رسیده بود، که امسال باید مدرسه برود، می‌خواستم او را در پیش‌دستان ثبت‌نام کنم،



مبلغی که می‌خواستند در توان مالی ما نبود و به خاطر تعصب شوهرم او را هرجایی نمی‌توانستم بگذارم؛ تا اینکه موسسه را شناختم. به شوهرم پیشنهاد کردم برود و مهروماه و آدم‌هایش را ببیند و اگر موافق است، دخترم را بپریم آنجا. بالاخره پس از بررسی‌ها، شوهرم رضایت داد. اولین نکته‌ای را که دخترم به خانه آورد این بود که باید از بدن خود محافظت کند و اجازه ندهد کسی به بدنش دست بزند. بدنش حوزه خصوصی اوست. این مورد بسیار برای شوهرم مطلوب بود. او قوانین راهنمایی و رانندگی را یاد گرفت و گاهی حتی به پدرش تذکر می‌دهد که خلاف رانندگی نکند. آن‌قدر در زمینه‌های مختلف رشد کرده که همسرم می‌گوید کاش بقیه فرزندانمان هم می‌توانستند دوره پیش‌دبستانی را بگذرانند.»

مادربزرگ می‌گوید: «نوهام با ما زندگی می‌کند، من مجبورم کارکنم تا بتوانم مخارج زندگی‌مان را تأمین کنم. نوهام فوق‌العاده حساس است، گاهی ساعت‌ها گریه می‌کند. او سال دیگر باید به مدرسه برود و کلاس پیش‌دبستانی می‌آید. خیلی خوشحالم که حداقل ساعت‌هایی که اینجاست، همه‌چیز را فراموش می‌کند، می‌خواند، می‌نویسد، حروف را می‌شناسد، با بچه‌ها بازی می‌کند، رنگ‌ها را می‌شناسد، شعر حفظ می‌کند. به شستن دست‌هایش قبل از غذا حساس شده. آمدن به اینجا تنها دل‌خوشی‌اش در زندگی است.» این‌ها صحبت‌های مادرانی است که کودکان خردسال خود را راهی پیش‌دبستانی مهروماه کرده‌اند. بارها از کلاس‌های پیش‌دبستانی مهروماه نوشته‌ایم اما شاید

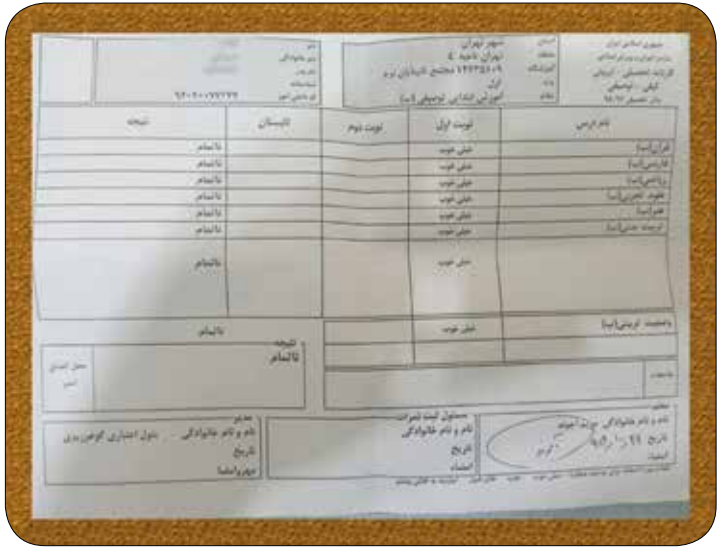


هیچ‌کدام نتواند به اندازه ارزیابی والدین، تأثیر مثبت آموزش‌های ابتدایی و پیش از دبستان را نشان دهد. امید آن داریم با ادامه این آموزش‌ها کودکانی خلاق، پرشور و آماده را راهی نیمکت‌های مدرسه کنیم.

آرزوهای بزرگ

شعری را با شوق دکلمه می‌کند؛ صدای زیبایش در گوش ما می‌پیچد: خنده که لب نمی‌خواد، داریه و دمبک نمی‌خواد، یه دل می‌خواد که شاد باشه، از بند غم آزاد باشه.

آری؛ «آرزو» (نام مستعار) آنچه می‌خواند را برای ما عملاً معنا کرده است. از همان بدو تولد چشمانش از نعمت دیدن محروم بود، خانواده تلاش بسیاری برای درمان دختر داشتند، گاهی نور امیدی برای بازگشت نور به چشمان دخترک در دلشان روشن می‌شد و گاهی پاسخ قاطع پزشکان آنها را از ادامه مسیر درمان ناامید می‌کرد. آرزو اما دنیایی از امید بود و هست. شور و هیجانی که در رفتار دخترک مهروماهی می‌بینیم به قدری است که می‌دانیم هر مانعی را از سر راه برمی‌دارد. او عاشق خواندن است، شعر می‌خواند، داستان‌سرایی می‌کند و آن را با تصورات کودکانه خود از دنیای پیرامونش رنگ می‌زند. تصویرسازی‌هایی می‌کند و داستان‌هایی که از تصاویر ذهنی خود برای ما می‌گوید، همه ما را به تعجب وامی‌دارد. به خوبی با کودکان دیگر ارتباط می‌گیرد، با آنها در فعالیت‌های گروهی شرکت می‌کند و اجازه نمی‌دهد ندیدن برای او هم‌معنی نتوانستن باشد. با حمایت یاران مهروماه آرزو در مدرسه کودکان استثنایی درس می‌خواند. کارنامه تحصیلی خود را که به ما نشان می‌دهد بیش‌ازپیش باورش می‌کنیم؛ در تمام درس‌ها بهترین عملکرد را نشان داده و این یعنی او می‌تواند گام‌های بزرگ بردارد. عاشق موسیقی است. صدای زیبایی دارد که می‌تواند او را در این مسیر موفق کند. بی‌شک اگر حمایت‌های بیشتری از این کودکان وجود داشت آنگاه داستان نابغه‌هایی که با وجود ناتوانی جسمی به دستاوردهای بزرگ رسیده‌اند محدود به تعداد اندکی نبود. وجود آرزوها در مهروماه و دیدن تلاش هر روزه آنها برای زیباتر کردن دنیای اطرافشان ما را مطمئن کرده اگر شرایطی مهیا باشد استعدادها بسیار خود را بروز خواهند داد. امید ما برای حرکت وجود همین استعدادهای ناب است.



با واقعیت گام برداریم

توانمندسازی زنان و کودکان، هدف اولیه «مهر و ماه» بوده و هست. می‌دانیم که برای رسیدن به این مقصود، مسیر دشواری را پیش رو داریم. از آنجاکه بافت ویژه منطقه فرحزاد زمینه‌ساز آسیب‌های فراوانی برای کودکان و نوجوانان ساکن در این منطقه است، ایجاد تغییر در زندگی این کودکان در صدر اهداف موسسه قرار دارد. پسران نوجوان زیادی در این منطقه تحت تأثیر این آسیب‌ها قرار دارند. فشار زندگی و فرهنگ حاکم بر خانواده‌ها باعث شده پسران نوجوان در سنین کم وارد بازار کار شوند؛ کارهایی که در اکثر مواقع کوتاه‌مدت و بدون آینده‌ای روشن برای این کودکان است. شاید اگر این



نوجوانان زمان خود را برای یادگیری یک حرفه بگذرانند، بتوانند آینده‌ای متفاوت‌تر برای خود رقم بزنند و از محیط‌های کاری آسیب‌زا دورتر باشند. با همین هدف بر آن شدیم تا دست پسران نوجوان منطقه‌ی فرحزاد را بگیریم و با آنها در مسیر یادگیری حرفه جوشکاری هم‌قدم شویم و مقدمات تغییر در زندگی آنها را فراهم کنیم؛ اما در این مسیر تنها نبوده‌ایم و از همراهی یکی از یاوران موسسه بهره‌مند شدیم تا به تعدادی از نوجوانان پسر که به حرفه جوشکاری علاقه‌مند بودند این حرفه را بیاموزیم. این پسران دو روز در هفته در کارگاهی خارج از موسسه حاضر می‌شوند و اصول اولیه جوشکاری را می‌آموزند. حضور این پسران در این کارگاه علاوه بر یادگیری این حرفه می‌تواند باعث افزایش اعتمادبه‌نفس، تقویت روحیه همکاری و مشارکت در آنها شود. با برگزاری این کارگاه، می‌توان در بین این نوجوانان، آنها که استعداد و علاقه بیشتری از خود بروز می‌دهند را کشف کرد و برای آینده شغلی آنها برنامه‌ریزی‌های مدونی داشت. با برنامه‌ریزی برای کارگاه‌های عملی می‌توان هرچه بیشتر به دستیابی به هدف اولیه مهروماه نزدیک شد تا این موسسه بتواند نقش خود را در این منطقه پرآسیب ایفا کرده و زمینه پرورش خانواده‌هایی با آسیب کمتر و توان مهارتی و اقتصادی بالاتر را فراهم کند تا خانواده‌هایی با امید به زندگی بیشتر و با مسائل و مشکلاتی کمتر را داشته باشیم.

حامیان پزشکی موسسه مهروماه

آقای آریان‌پور- رضا احمدی- مریم اسماعیلی- ندا اکبری- محمدحسن پزشکان
فاطمه انارکی (رادیولوژی، سونو گرافی)- افسانه صحت (روان‌پزشک)- آرزیتا
صفارزاده (متخصص زنان و زایمان)- حسین مفتاحی (متخصص قلب)- زهرا
ذاکری (فوق تخصص روماتولوژی)- آقای صالحی (آزمایشگاه پژوهش)- خانم
یوسف‌زادگان (متخصص اطفال)- خانم رجب‌نژاد (متخصص اطفال)- آقای
برادران (دندانپزشک)- میترا برادران (دندانپزشک)- سارا نازآبادی (دندانپزشک)-
محسن مرشدی (دندانپزشک)- سمیه علیرضایی (دندانپزشک)- مهسا محسنی
(روانشناسی بالینی)- محمدرضا روشن طلب حقانی (دندانپزشک) مهرداد تقس
بخشی (دندانپزشک)- شمیل تبریزی (دندانپزشک)- ارژنگ خلیلی (دندانپزشک)

غمی به بزرگی یک سرنوشت

گاهی ته دلمان خالی می‌شود. می‌مانیم از اینکه یک تصمیم غلط چگونه می‌تواند آینده یکی از بااستعدادترین دخترانمان را میهم کند.

«یلدا» (نام مستعار) دختر مهروماه است. انرژی بسیارش همیشه ما را سر شوق می‌آورد. کارنامه تحصیلی او نشان می‌داد چه اشتیاقی برای یادگیری دارد و تلاش‌هایش ما را به آینده‌اش امیدوارتر می‌کرد. اوضاع در خانه اما سخت‌تر بود. پدر سخت‌گیر بود و ناآگاه، آن‌چنان‌که راه «به راه آوردن» دخترش را در تنبیه بدنی او می‌دید. از نظرش دختر که بالغ شد باید زودتر به خانه شوهر برود و بودن در خانه پدری نان‌خور اضافه داشتن است. کار دخترش شوهر کردن است و ماندن او در خانه و تلاشش برای درس خواندن و دنیا را طور دیگر تجربه کردن تلاشی است عبث. داستان یلدا را از زبان مددکار اجتماعی مهروماه می‌خوانیم:

«یک روز عادی در مهروماه است. کلاس‌های درس دایر هستند و رفت‌وآمدهای هرروزه دیده می‌شود. وسایلم را جمع می‌کنم تا کم‌کم آماده رفتن شوم. پیچ‌پیچ دختران موسسه را می‌شنوم و کلمه‌ای که این روزها به‌جای آنکه معیار شادی باشد بیشتر ترس را برایم تداعی می‌کند: ازدواج. با نگرانی به سمتشان می‌روم.

- کی عروسی کرده؟

- یلدا خانوم.

- یلدا؟

- بله خانوم باباش می‌خواست شوهرش بده اینم دیگه نتونست مقاومت کنه.

- با کی؟

- می‌شناسن همو خانوم. الان حداقل با کسی داره عروسی می‌کنه که دوستش بوده. آبی سرد بر سرم ریخته‌اند. تنها 12 سال دارد. آن‌همه شور و اشتیاق قرار است خاموش شود؟ طاقت نمی‌آورم به خانه‌شان می‌روم. یلدا نیست. سفارش می‌کنم حتماً فردا به موسسه بیاید. می‌داند اگر نیاید بازهم به خانه‌اش خواهم رفت. می‌آید. با لحن آرام صدایش می‌گوید: «خانوم از دست ما ناراحتی؟» فقط می‌پرسم چرا. پاسخ

می‌دهد: «اوضاع بهتر شده. پدرم دیگر مرا نمی‌زند. شوهرم هم پسر خوبی است». می‌پرسم پس درس و مدرسه را چه می‌کنی. می‌گوید: «پسر خوبی است، تعهد داده. اجازه می‌دهد درس بخوانم.»

کمی حرف می‌زنیم. تصمیمی است که عملی شده. نه قدرتی برای جلوگیری از آن دارم و نه توانی برای به تعویق انداختن آن. من می‌مانم و آواری از غم بر دلم. به دختری فکر می‌کنم که رویاهای بزرگ داشت، آرزوهای بلند و انگیزه‌ای قوی برای رسیدن به آنها. اما او می‌خواهد ازدواج کند و البته هنوز می‌خواهد درس بخواند. به پسری فکر می‌کنم که تعهدی داده تا مانعی بر سر راه درس خواندن همسرش نباشد اما از همان روزهای اول ساز مخالفت کوک کرده است؛ آنها رسم ندارند زن زیاد از خانه بیرون باشد. می‌خواهد همسرش بیشتر در خانه بماند. می‌دانم آرزوهای یلدا مثل هزاران دختر دیگر دفن می‌شود. او کودکی‌اش را خیلی زود به بزرگ‌سالی پیوند می‌زند.»



یک اتفاق تلخ

هنوز در تب و تاب ثبت نام کودکان بودیم که خبر دستگیری گسترده کودکان کار همه ما را شوک زده کرد. بار دیگر طرح‌های ناموفق و ناکارآمد گذشته تکرار می‌شود. بازداشت کودکان کار فقط پاک کردن صورت مسئله است. آیا با بازداشت کودکان معضل خانواده حل می‌شود؟ بیشتر این کودکان به واسطه فقر و نیاز خانواده به خیابان‌ها کشانیده شده‌اند. چرا به وضعیت کودکان کاری که در فضاهای بسته در کوره‌پزخانه‌ها و کارگاه‌های زیرزمینی و... کار می‌کنند، کمتر توجه می‌شود؟ بنظر می‌رسد آنچه که برای تصمیم‌گیران این طرح مهم بوده زیباسازی منظره شهری بوده است. حل معضل کار کودک نیاز به کار کارشناسی عمیق و همه جانبه دارد. بدون توجه به علل ریشه‌ای معضل کودک کار، هر راه حلی در دراز مدت محکوم به شکست خواهد بود. طرح‌هایی که بدون مشارکت سمن‌های فعال در حوزه کودکان تدوین و اجرا می‌شوند نمی‌توانند همه جانبه باشند. این سمن‌ها هستند که در رابطه تنگاتنگ با جامعه مخاطب قرار دارند و از نزدیک همه معضلات را می‌بینند. کودک کار معلول نابسامانی‌های جامعه است نه مولد آن.



الف..ب..پ... تووانا بود هر که دانا بود. اینجا کلاس سوادآموزی مهروماه است و این جشن پایان یک سال تحصیلی دیگر. هر روز صبح زنانی با شوق به آموختن وارد این کلاس می شدند و تلاش می کردند آنچه در کودکی از آن محروم شده اند را امروز به دست آورند؛ توانایی خواندن و نوشتن. خوب می دانیم شرکت در این کلاسها برای زنانی که کوهی از مشکلات را به دوش می کشند چه دشواری هایی دارد. می دانیم کسی که با همه این مشکلات در این کلاسها حاضر می شود و برای یادگیری زمان می گذارد می خواهد تغییری را تجربه کند، می خواهد بهتر شدن را بیازماید و می خواهد پنجره ای به دنیایی بزرگتر را پیش چشم خود و خانواده اش باز کند. شرکت در کلاسهای سوادآموزی و درکنار آن شرکت در کلاسهای مهارت آموزی این زنان را به این باور رسانده که می توانند تغییر کنند و می توانند تغییر دهند. آنها امروز خود خواهان آموزشهایی هستند که به واسطه آن بتوانند رفتاری بهتر به عنوان مادر و همسر در خانه داشته باشند تا از این طریق بتوانند کودکانشان را در محیطی سالمتر تربیت کنند. آنها امروز در مسیر توانمند شدن گام برمی دارند.

زنان مهروماه این موفقیت خود را در روز جهانی سوادآموزی جشن گرفتند؛ جشنی در ساختمان جدید مهروماه و با رنگ و بوی محلی. هرکدام از زنان با غذاهای محلی خود راهی مهروماه شدند و با هم پایان یک سال تلاش را جشن گرفتند. برخی زنان به همراه پسران نوجوان خود در این جشن شرکت داشتند، برق شادی در چشمان پسرکان وقتی می دیدند تلاشهای

مادرانشان به ثمر نشسته است، برای همه ما لذت بخش بود. جشن پایان سال تحصیلی برای زنان سوادآموز مهروماه اگرچه به معنی پایان یک دوره آموزشی بود اما در واقع برای بسیاری از آنها یک شروع جدید است، شروع زندگی با اعتمادی بیشتر به خود و توانایی هایشان.



اهل همت رخنه در سد سکندر می کنند

وجود برخی افراد گاهی امید ما را برای حرکت دو چندان می‌کند؛ کودکانی که با برداشته شدن بار تأمین مالی زندگی با شوق و اشتیاق پشت نیمکت‌ها بازمی‌گردند، دخترانی که با وجود تمام موانع تلاش می‌کنند آینده‌ای متفاوت برای خود بسازند و زنانی که با تمام وجود به میدان آمده‌اند تا در کنار وظیفه مادرانه خود بخشی از بار مالی زندگی را نیز تقبل کنند تا کودکانشان بتواند کودکی کند. لیلا (نام مستعار) از جمله این زنان است. او هم مادری تلاشگر است و هم زنی نان‌آور خانه و هر دو مسئولیت را به بهترین شکل انجام می‌دهد. حتما هستند اطراف ما زنان توانمندی همچون لیلا که یک تنه بار یک زندگی را به دوش می‌کشند اما زمانی که مهاجرت، تنگنای مالی و موانع فرهنگی حضور زنان در خارج از خانه برای مشارکت در امور مالی را در نظر بگیریم کار بزرگ لیلاها بیشتر قابل درک می‌شود. لیلا صبح‌ها زودتر از همه از خواب برمی‌خیزد تا کودکان خود را به مدرسه بفرستد، کارهای خانه را سامان می‌دهد و برای آغاز روزی پر روزی عازم کارگاه مهروماه می‌شود. بودنش در کارگاه با شوق و انرژی‌ای که برای کار می‌گذارد به همه ما انرژی می‌دهد. تلاشش برای جلو رفتن ستودنی است. او خود را محدود به مهروماه نگرده است. با چرخ



کاری که تهیه کرده کارگاه کوچکی را در خانه برپا کرده است. با تولیدی‌های مبل و لوازم چوبی در محل مذاکره کرده و تکه پارچه‌های اضافی آنها را می‌خرد و با آن کیف دستی درست می‌کند. اراده‌اش، ایده‌اش و پیگیری‌اش برای همه ما امیدبخش است. او مادر ۳ فرزند است، یکی از کودکانش از نعمت دیدن محروم است. پیش از این از آرزوی لیلا گفته‌ایم؛ آرزو، به همت چنین مادری تا اینجای کار پیش آمده و باز هم پیش خواهد رفت. این قانون زندگی است، کافی است حداقل زمینه‌هایی فراهم شود تا آنکه می‌خواهد در نهایت بتواند. ما در مهر و ماه می‌کوشیم زمینه‌ها را بسازیم تا زنان و دخترانمان را در مسیر خواسته‌هاشان توانمند سازیم.

حامیان تحصیلی موسسه مهر و ماه

حمیده ابریشمکار - سارا اسماعیلی - زهرا اسمعیلی چیمه - لیلا الیاسی - شهلا امین پور - محمد مهدی اویسی - فریبا آیت‌اله‌زاده - زهرا باقری - حسین بدیعی - زهره پوری - سارا تفخیمی - رباب تکبیری - مینا جاجرمی - نیوشا جعفری ممتاز - بنفشه جمالی قره تپه - زهره دائمی - رفعت درخشنده - منیژه ربیعی - اشکان رحیمی‌کیان - مهر انگیز رزاقی - مرجان رضامند - فریبا رضائی - علیرضا رضائی - سمیه ستاری - زینب سلطانیان - عبدالمحسن شالدوزی - شمسی خورشیدی سرای - مریم شوقی - میلاد شوهانی - جلال صادقی - گیتا صدیق - شیدا صمدی - آوارت طروسیان - فریبا عالی پور - ناهید عاملی - مریم عاملی رضائی - مهرداد عزیزخوانی - مریم عزیزی - منوچهر غدیری - ناهید غزنوی - فریبرز غفاری - حسین فانی صابری - مریم فتحي - بهزاد فریور - محسن فریور - محمدتقی قدس الهی - محسن مهدی قلی‌پور - ملیحه کارگری - نادره کامیاب - فاطمه کبودانیان - آناهیتا لشکری - سوده محمدی - طاهره محمودزاده - فاطمه‌سادات مدنی کزازی - امین مراد - رویا مراد - رضوان مشایخ آهنگرانی - مهشید مطیعی - مهشید ملکی جیر سرائی - کیانوش مهاجر شجاعی - رقیه مهانیان - مهری مهانیان - نادره مهانیان - مهناز مهلو - فرشته ناجیان - زهرا نبی‌پور - عزت‌الله نوازی - فرهاد نوروزی - پانته‌آ نیک‌اندیش - کتابون نیکراه - علی وجدانی فرد - ماهرخ وجدانی فرد - کتابون وقاری - مهرنوش همتیار - هنرخواه - نیما یوسفیان - نادیا یوسفیان



از روزهای پرکار مهر و ماه بود. تقریباً همه بعد از ساعت کاری در موسسه مانده بودیم. غالباً عصرها بعد از ساعت اداری زمان خوبی برای مرتب کردن کارهای عقب مانده است، مراجعه به موسسه در این ساعتها کمتر می شود و آرامش و سکوتی که مهر و ماه را فرامی گیرد فرصت کم نظیری است برای انجام کارها. آن روز اما یک اتفاق تمام آن آرامش را به هم زد. یکی از زنان مددجوی مهر و ماه سراسیمه وارد موسسه شد و به سمت اتاق مددکاری آمد. تا خواستم از او بپرسم جریان چیست بغضش ترکید. جای جای صورتش کبود بود. با صدای لرزان گفت: «شوهرم می خواهد مرا بکشد، از زیر دستش فرار کردم». می خواستم آرامش کنم اما ترس و اضطرابش بیش از اینها بود. کمی آرام تر که شد از او خواستم تا

ماجرای او را توضیح دهد. گفت: «همه چیز از یک بحث ساده آغاز شد به شوهرم گفتم می‌خواهم برای این ماه چند رو بالشتی جدید بخرم، قبلی‌ها کهنه و پاره هستند». می‌دانستم این زن کار می‌کند و بخشی از تأمین هزینه‌های زندگی بر دوش اوست. ادامه داد: «همسرم شروع کرد به مخالفت و اینکه تو ولخرجی و نمی‌توانی ضروریات زندگی را درک کنی. من هم پاسخ دادم این هم نیاز زندگی است و هزینه زیادی ندارد و خودم هزینه آن را تأمین می‌کنم. نمی‌دانم چه شد که بحث بالا گرفت. شوهرم به سمت حمله کرد و من را به دیوار چسباند، گلویم را فشار می‌داد و با دست دیگر محکم بر صورتم می‌کوبید. قسم می‌خورد من را می‌کشد. نمی‌دانم چطور فرار کردم و تا اینجا آمدم. خدا خدا می‌کردم موسسه باز باشد. پناه دیگری نداشتم.» به گلوی قرمز و متورمش نگاه می‌کردم. اغراق نمی‌کرد، خطری جدی را پشت سر گذاشته بود. آرامش کردم. از او خواستم با هم به خانه‌اش برویم. به او اطمینان دادم مواظبش هستم. به منزلش رفتیم. همسرش کمی آرام‌تر شده بود. شاید او هم نمی‌دانست چه شد که یک دعوی ساده به چنین اتفاقی منجر شده است. با او صحبت کردم. سعی کردم آرامشان کنم. می‌دانستم از همسرش متنفر نیست، فشارهای زندگی، نداشتن کنترل بر خشم، واکنش‌های آنی و بسیار بسیار دلایل دیگر ناگهان چنین اتفاق‌های تلخی را رقم می‌زند. پس از مدتی گفت وگو زمانی که مطمئن شدم جو آرام‌تر شده از آنجا بیرون آمدم و به سمت خانه حرکت کردم. در مسیر خانه ذهنم کاملاً درگیر چند ساعت گذشته بود. چهره زنانه‌ای که گاهی با صورت کبود به موسسه می‌آمدند یک‌به‌یک از جلو چشمانم رژه می‌رفت، تعدادشان کم نبود. به امروز فکر کردم و اینکه اگر درهای مهروماه باز نبود چه اتفاقی ممکن بود در انتظار این زن باشد. به مردانی فکر کردم که شاید اگر اندکی زندگی با آنها مهربان‌تر بود و اگر در دوران کودکی و نوجوانی می‌آموختند چگونه رفتارهای خود را کنترل کنند دست به اعمال خشونت نمی‌زدند. این شایدها و اگرها اما هیچ‌کدام پاسخی برای این مشکل نبود. راه‌حل‌های ریشه‌ای‌تری نیاز است.

خشونت علیه زنان و نقش پلیس در کاهش آن

آتنا کامل

«... شوهرم تهدید کرد که امشب یا مرا میکشد یا خودش را. من زنگ زدم ۱۱۰ و پلیس آمد. شوهرم رفت دم در، دست به ریش شد که تو رو قرآن، آبرو داریم و... پلیس رفت! چرا باید ۱۱۰ به پلیس‌ها اجازه بدهد که برگردند؟ به جای اینکه زن و شوهر را بردارند ببرند حرف بزنند، می‌روند. با یک خواهش کردن، مشکل من حل شد؟ من زنگ زدم از تو کمک خواستم، چرا با حرف شوهرم برگشتی؟ اگر من آن لحظه می‌گفتم گذشت کردم، بعد برو! گفتند دعوی خانوادگی است، خدائگهدار!...» (نسیم، ۳۷ ساله، زیر دیپلم و شاغل)

واقعیت این است که خشونت ممکن است اثرات طولانی‌مدت بر وجود و رفتار قربانی بگذارد و سلامت جسمی - روانی و قدرت سازگاری او را کاهش دهد و روابط خانوادگی و اجتماعی او را از حال عادی خارج نماید. آمار بالای افسردگی، فشار روانی و خودکشی‌های نافرجام در همه مطالعاتی که تأثیر خشونت بر زنان را بررسی کرده‌اند، دیده می‌شود. به‌علاوه از نظر مسائل بهداشتی، احتمال آسیب‌دیدگی زنان دو برابر مردان است و احتمال گزارش مبنی بر زندگی در ترس آنان سه برابر بیشتر از مردان است.

در ایران هم قانون و هم هنجارهای اجتماعی، خشونت خانگی را عرصه خصوصی قلمداد کرده و در برابر آن منفعلانه رفتار می‌کنند. حقیقت این است که پلیس می‌تواند نقش پررنگ‌تری در مسائل مربوط به خشونت خانگی ایفا کند. رویکرد پلیس به خشونت علیه زنان به دو دلیل مسئله مهمی است:

یک) عملکرد پلیس، تصور قربانیان را از میزان مؤثر بودن این نهاد اجتماعی در جلوگیری از خشونت‌های خانگی شکل می‌دهد و در نتیجه بر تعداد گزارش‌های رسیده به پلیس نیز تأثیر می‌گذارد. به بیان دیگر هر چه زنان نسبت به کمک‌رسانی پلیس در خشونت‌های خانگی خوش‌بین‌تر باشند، در صورت بروز خشونت، بیشتر از این نهاد درخواست کمک می‌کنند. درحالی‌که بدیهی است اگر زنان تصور کنند پلیس کمکی



به حل مشکل آنها نمی‌کند از گزارش دادن خودداری می‌کنند و تصمیم بر حل مسئله به صورت فردی می‌گیرند.

دو) رویکرد پلیس به خشونت خانگی، تعیین‌کننده- عملکرد آنها به این مسئله اجتماعی است. اگر خشونت خانگی به عنوان مشکلی شخصی، خانوادگی و مربوط به حوزه خصوصی افراد نگریسته شود، طبیعی است که نیاز به مداخله کمتری در مقایسه با سایر جرائم پیدا می‌کند.

در ایران زنان خشونت‌دیده کمتر روی حمایت‌های اجتماعی حساب می‌کنند. اقلیت کوچکی از آنها که از سر استیصال به جستجوی کمک از سازمان‌های رسمی از جمله پلیس رفته‌اند نیز عملکرد مثبتی را گزارش ندادند. پلیس نه تنها علاقه‌ای به درگیر شدن در مسائل خانوادگی ندارد بلکه بیشتر حامی متهمان بوده تا قربانیان و با زنان خشونت‌دیده با پیش‌داوری و بدرفتاری برخورد کرده است.

ضرورت دارد دیدگاه سنتی پلیس با ارائه آموزش مناسب عوض شود و آنها به این باور برسند که خشونت خانگی یک مسئله خصوصی نیست، لذا مداخله جدی را می‌طلبد. با

توجه به اینکه پلیس یک سرویس خدماتی ۲۴ ساعته است، انتظار می‌رود که به موقع دخالت و خاطی را دستگیر کند. اما صرف دستگیری نمی‌واند مانع از خشونت‌های بعدی شود و چه‌بسا که خاطی را جری‌تر سازد. ما نیاز به تشکیلات گسترده و منسجم دولتی و رسمی داریم که از زنان خشونت‌دیده متناسب با وضعیت و نیازهایشان حمایت کند. همچنین از دادگاه‌ها انتظار می‌رود که سعی کنند تنبیه متناسب را برای رفتارهای خشن پیدا کنند و آن را قویاً به اجرا گذارند.





«بهار» (اسم مستعار) در آستانه ۳۱ سالگی از روزهای پر فراز و نشیب در این سالها سخن می‌گوید. از فقر فرهنگی و اقتصادی خانواده‌اش و بار مسئولیتی که همواره بر دوشش بوده. او هیچ‌گاه در کنار سایر کودکان، پشت نیمکت‌های مدرسه ننشسته است، اما از زمان آشنایی با مهر و ماه در حوزه‌های روابط عمومی، صنایع، امور دفتری، عکاسی، تبلیغات، پیش دبستانی و انبارداری و ... تجربیات مختلفی را کسب کرده و امروزه الگویی است برای خواهرانش و سایر زنان ساکن منطقه فرحزاد که پیشرفت روزبه‌روز او را به چشم خود دیده‌اند. الگویی که در مواجهه با سختی‌ها در مسیر ساختن زندگی بهتر برای خود و خانواده‌اش، هرگز پا پس نکشید. وقتی از بهار پرسیدم تعریفی که از زن افغان داری چیست؟ تنها در یک واژه گفت: «بدبخت». او طعم تلخ این بدبختی را چشیده و بعد از سالها تلاش، امروز با اراده خود و حمایت‌های مهر و ماه نه تنها به لحاظ اقتصادی و اجتماعی از استقلال برخوردار است و توانسته مدیریت خانواده‌اش را در دست بگیرد، بلکه این روزها سخت در تلاش است تا بتواند در کنار همسری پشتیبان و همراه؛ زندگی جدیدی را در نقطه دیگری از شهر آغاز کند. بهار از نحوه آشنایی‌اش با مهر و ماه می‌گوید. از روزی که از خواهرش شنید که در

منطقه فرحزاد موسسه‌ای تاسیس شده که به کودکان و زنان خدمات ارائه می‌دهد. بهار تا آن زمان، توانسته بود با حضور در کلاس‌های نهضت سوادآموزی و کلاس‌های متفرقه و یا به تنهایی در خانه، تا مقطع دبیرستان پیش برود. شنیده بود که در این موسسه، کلاس‌های تقویتی برای دروس ریاضی، زبان، فیزیک و شیمی برگزار می‌شود. برای شرکت در این کلاس‌ها به موسسه مراجعه کرد. بعد از گذشت مدت کوتاهی، معلم زبان استعداد ویژه‌ای در بهار دید. روزی بعد از کلاس درس، معلم با او گفت‌وگویی داشت و به او گفت: «ما مدت هاست که برای واحد پیش دبستانی به دنبال مربی هستیم، تو توانایی و قدرت لازم برای این شغل را داری و از تو می‌خواهیم که در موسسه با ما همکاری کنی و مربی کودکان شوی.» به همین منظور مهر و ماه دوره‌های آموزشی و کارگاه‌هایی را برای مجهز کردن او به دانش لازم در نظر گرفت. از جمله این دوره‌ها، دوره مربی‌گری در «موسسه پژوهشی کودکان دنیا»، بازی و ریاضی در «موسسه کوچ»، کارورزی در «مهد سیمین»، دوره آموزش پیشگیری از ابتلا به ایدز در «سازمان بهزیستی»، شرکت در کارگاه‌های طرح با من بخوان، دوره تسهیل‌گری یادگیری برای کودکان، و دوره آموزش گزارش نویسی و ... بودند. بهار که همیشه دلش می‌خواست به مدرسه برود و با وجود اینکه همیشه از دانش و پشتکار خوبی برخوردار بود اما به دلیل شرایط نامساعد خانوارگی هرگز نتوانست به مدرسه برود؛ زیر نظر مربی متخصص و باسابقه موسسه، با اشتیاق در این کارگاه‌ها شرکت می‌کرد و بعد از دو سال آموزش علمی و تجربی زیر نظر مربی باسابقه و مجربی در موسسه بالاخره روزهایی از راه رسید که بهار، کار خود را به صورت رسمی با ۵ ساعت در روز به عنوان مربی پیش دبستانی آغاز کرد. و این؛ نقطه‌ی آغازی بود برای جوانه‌هایی که سال‌ها بود منتظر تأییدن نور امید به بهار بودند تا بتوانند شکوفا شوند. او امروز تنها یک آرزو دارد، و آن هم خوب بودن حال خانواده اش است. آرزوی بهار آرزویی است که ما در مهر و ماه برای همه‌ی زنان و خانواده‌هایشان داریم. به امید روزی که هزاران هزار بهار خسته از زمستان‌های طاقت فرسا بتوانند روزهایی سرشار از شکوفه و رنگ را برای خود بسازند.

بوی ماه مهر

شهریورماه همیشه رنگ و بوی خاص خود را دارد. بوی کتاب و دفتر نو برای آغاز سال تحصیلی جدید؛ رنگ لباس‌های نو که منظم در جالباسی آویزان شده‌اند تا در اول مهر به تن دانش‌آموزان خوش بدرخشند و رنگ و بوی یک سال تحصیلی با همه سختی، دغدغه‌ها و البته شیرینی‌هایش. برای مهرماه نیز شهریور، ماه جنب‌وجوش‌های شیرین است. لوازم‌تحریر و تحصیلی که به همت همراهان مهرومه خریداری و جمع‌آوری شده‌اند دسته‌بندی می‌شوند تا هرکدام لبخندی باشند بر لب یک کودک مهروماهی؛ کودکی که می‌داند امروز نه یک خانواده بلکه یک جامعه پشت اوست تا او بتواند بدون دغدغه و بدون تبعیض به مدرسه برود و لذت آموختن را تجربه کند. برق شادی در چشمان کودکان و لبخند رضایتی که در هنگام تحویل وسایل و کتاب درسی بر صورت‌های زیبای کودکان نقش بسته زیباترین حسی است که می‌توان در مهرومه تجربه کرد.

آموختن، بودن در کنار همسالان، بازی کردن و دنیای کودکی را تجربه کردن حق طبیعی هر کودکی است؛ حقی که گاه به دلیل فقر، گاه به دلیل ناآگاهی خانواده‌ها و گاه به دلیل قوانین نامناسب در کشور از بسیاری از کودکان دریغ شده و ما امروز می‌کوشیم تا این حق طبیعی را برای تعدادی از کودکان زنده کنیم.

برای مهرومه آغاز سال جدید تحصیلی رنگ و بوی دیگری نیز داشت. مهرومه به همت و پشتیبانی باران خود توانست در سال جاری ساختمان دیگری در محله تهیه کند و امسال تعدادی از کلاس‌های مهرومه در خانه‌ای نو برگزار خواهند شد. تجهیز و آماده‌سازی این خانه، خود داستانی دارد. پسرانی که دیروز به‌عنوان کودکان مهروماهی در موسسه حضور پیدا می‌کردند و با خنده‌ها و شیطنت‌هایشان مهرومه را زنده می‌کردند امروز در قامت یک حامی در کنار ما هستند. یک نفر با سطل رنگ، دیگری با دستمالی در دست و آن یکی با کیف ابزار خود به مهرومه

آمده تا خانه جدید مهرماه را برای کودکان دیگر آماده کند. این باهم بودن و این همیاری و همکاری در مهرماه ما را امیدوارتر می‌کند، می‌دانیم هر سال که می‌گذرد خانواده‌ای بزرگ‌تر داریم خانواده‌ای که تکتک اعضای آن هر روز را با عشق به آموختن آغاز می‌کنند و می‌خواهند فردای خود را زیباتر رقم بزنند. فردایی سبز در خانه‌ای از مهر.





▲ تهیه کارت تبریک با دستانی کوچک و با دلی بزرگ توسط کودکان پیش دبستانی برای روز پدر

▼ جشن کتاب مهر و بازهم حضور فعال کودکان مهر و ماه در نقد و داوری کتابها





▲ جشن روز معلم و این بار قدردانی کودکان پیش‌دبستانی از معلمان خود



مهروماه پنجشنبه‌ها حال و هوای خودش را دارد. بچه‌ها با شوق به انتظار می‌نشینند تا خود را در کلاس طراحی محک بزنند ▲



نقاشی کودکان "مهروماه" در کنار نقاشی‌های هنرمندان در نمایشگاهی که به نفع "مهروماه" برگزار شد. ►

جشن بزرگ پایان سال تحصیلی مهرماه با حضور کودکان تحت پوشش موسسه و کودکانی که دیروز همراه موسسه بودند و امروز هرکدام با تکیه بر آموخته‌های خود راه یک زندگی پربارتر را پیش گرفته‌اند



کمیته مددکاری اجتماعی مهروماه بسته‌های ارزاقی را برای جامعه هدف خود تدارک دیده و آنها را به خانواده‌ها اهدا می‌کند. ▼



معاینه دندان‌های کودکان و نوجوانان مهروماه به کوشش یکی از پزشکان همراه موسسه



هنر بی‌مثال پته‌دوزی و زنان هنرمندی که نقش و نگارهایی چشم‌نواز بر روی پارچه‌ها پیاده می‌کنند. ▼



تماشای فیلم “نهنگ عنبر ۲” با حضور نقش‌آفرینان این فیلم در کنار ۸۰ کودک “مهر و ماه” ▼



حال و هوای تابستانه مهرماه



▼ نمایشگاه صنایع دستی مهروماه در کافه الگا



▼ جشن روز صلح در محوطه موسسه مهروماه



ماده ۲۸ پیمان نامه حقوق کودک

کشورهای طرف کنوانسیون حق کودک را نسبت به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند اجباری و رایگان نمودن تحصیل ابتدائی برای همگان از جمله اقدامات در این راستاست



@mehromahngo



mehromah.ngo



www.mehr-o-mah.com